

تحصن در اینترنت

مصدق بت نیست - مصدق الّهی مقبول نیست؛

مصدق به تعریف و تمجید ما نیازمند نیست؛

این ماییم که باید «راه مصدق» را

بشناسیم و پیش رو نهیم

26 آوریل 2005 برابر با 6 اردیبهشت 1384

فاجعه است که مانند مرغ سرکنده دور خود می پیچیم و می چرخیم و نگاهی به تجارب تاریخی و تطابق و تشابه آن با اوضاع کنونی نمی کنیم. در همه دلخونیم، افسرده ایم، مظلومیم و اینهمه ما را عصیان زده کرده است. فریاد میزنیم، خود را آتش می زنیم، زندان می رویم، شکنجه می شویم، کلیه می فروشیم، بچه هایمان را می فروشیم، با دختر خوشگل تری ازدواج می کنیم که او پول بیشتری به خانه بیاورد، به ایران می رویم و بر می گردیم و وقتی می پرسند چه خبر بود می گوئیم شاهراه ها ساخته اند، ترافیک دیوانه کننده است، خوش گذشت! می پرسیم به اسلام شهر رفتی؟ می گوید اسلام شهر کجاست!... کارتن خواب دیدی؟ نگاه عاقل اندر سفیه تحویل می گیری؟

من هم یکی از همین عصیان زدگانم. به همین خاطر در روزگاری که در اینترنت «رفرانوم» یا «شبه رفرانوم» راه می اندازند من هم باکی از تحصن در اینترنت ندارم. از امروز تا روز 21 ماه می (31 اردیبهشت) که در شهر کلن در کشور آلمان برای یکصدو بیست و سومین سال تولد مصدق «بزرگداشت ملی» برقرار می کنند و او را «نماد همبستگی ملی» می نامند با شما هم میهنان به اندازه شعور، شرف و درک خود نه از مصدق و راه مصدق که به نظر من تنها علاج رهایی است هر روز می نویسم. از پشت این کامپیوتر بلند نمی شوم. اگر خواستید در جهت خلاف نوشته های من در این تحصن بنویسید یا بگویید یک شرط دارد. اول باید به چند سؤال زیر بیاندیشید و پاسخی علمی، تاریخی، تجربی و واقعی بیابید، وگرنه نه فحش و بد و بیراه گفتن به درد می خورد و نه اندرز و نصیحت و دلسوزی و اظهار رفاقتان. در هر دو صورت نه نوشته تان را می خوانم و نه به حرفتان گوش می دهم. من نوشته های دیگر را که مربوط به راه مصدق نیست همیشه خوانده ام و به این عصیان و تحصن رسیده ام، باز هم بر دیده منت می گذارم و می خوانم. شما بنویسید و بگویید من هم مطابق معمول می خوانم و گوش می دهم. حالا سؤال ها این است:

1. آیا می دانید که چرا مصدق تمام تلاش خود را به کار برد تا از انگلیس نه تنها به خاطر نفت، ولی به خاطر سلامت و سعادت مردم ایران خلع ید کند و چرا تلاشی برای بیرون کردن شاه از ایران نکرد؟
2. آیا او به قدرت مردم توانست کار بزرگ خلع ید از انگلیس پر زورترین امپراطوری استعماری جهان را انجام بدهد؟
3. آیا تشابهی بین این روزها و روزهایی که مصدق کمر همت به نجات ایران بست می بینید؟ و اگر جواب شما مثبت است؟
4. آیا فکر نمی کنید که ما امروز به یک «جنبش ملی عقلانی» نه عصبی و کینه ورزانه مشابه همان که مصدق کرد نیاز مندیم؟

بهتر است خود به سؤال های فوق قبل از شما پاسخی در حد توان بدهم و در انتظار عکس العمل شما هم میهنان باشم. (البته اگر عکس العملی وجود داشته باشد!):

مقدمه:

تحصن اینترنتی من به خاطر فرمایشات تلفنی یک سرهنگ دوران شاهنشاه آریامهر و قدر قدرت نیست که یک ساعت در جواب به نوشته من با عنوان «پیشنهادی برای نجات به حکم ضرورت و وظیفه» پشت تلفن سر من را مثل ضحاک خورد. برای آن جاهل و پیرو شعبان بی مخ هم نیست که در سجایای شاه و فرح و ولیعهد ذوب شده و در تلفن فحش و فضحیت نثار زمین و زمان می کرد. تحصن من به خاطر یک از هزاران انسانی است که دوغ و دوشاب را از هم تمیز می دهند و نامه ای مثل نامه زیر در باره پوستر دکتر مصدق در گرد همایی 21 ماه می در شهر کلن می نویسند.

" good morning Mr. Hassibi, when I saw this email the first thing came to my mind that " to make this poster as a main poster for all active opposition out of IRAN and even if is possible inside IRAN " Dr. Mosaddegh is a national role model to our people. I believe this can unite every one behind his spirit of strength against oppressing countries such as UK, FRANCE, GERMANY, RUSSIA and USA the reason is the timing and general condition of our country as well our people. I read your memo to one of Iranian saying that we as IRANIAN have to put aside all our believes and politically involvements and

unit for freeing our country. Time is crucial we can not and shouldn't loose the time. All those countries as I mentioned earlier challenging our country under different terminologies to benefit out of it without respect what they are saying in media. We as a nation are obligated to stand strong, united for our nation dignity and our people against all these enemies in any type and kind. I wish we will be able to overcome to all these unfortunates difficulties and make our nation free of all these foreign puppets who ruling our country. Good luck to all of us
 With best regards, ██████"

با آغاز بهار
 یکصد ویسنت و سرفین زاردرز
 دکتر محمد مصدق
 نهاد آزاده، استقلال و محسنی ملی ایرانیان
 را جشن بگیریم

زمان: ساعت ۱۹، شنبه ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۴ (۲۱ ماه مه ۲۰۰۵)
 مکان: شادت هاله هولمایم - کولن
 Stadthalle Köln Mülheim
 Jan - Wellem - Str. 2
 ورودی: برای بزرگسالان ۱۰ اوپرو
 Köln / Mülheim
 با حضور و شرکت شاعران نامدار، اجرای رقص های محلی کردی و...
 موسیقی: با شرکت هنرمندان مختلف... تلآتر مصدق، تابستان، یانیر، زمستان
 به کارگردانی رضا عقیقه زاده، توزیك متن: استندیار مختارزاده

www.mossadeq.com

اطلاعات لازم در www.mossadeq.com درج شده

سوال یک :

1. آیا می دانید که چرا مصدق تمام تلاش خود را به کار برد تا از انگلیس نه تنها به خاطر نفت، ولی به خاطر سلامت و سعادت مردم ایران خلع ید کند و چرا تلاشی برای بیرون کردن شاه از ایران نکرد؟

مصدق تاریخ را خوانده بود، درباره آن تعمق و اندیشه کرده بود. به درد اصلی ایران پی برده بود و با آگاهی کامل از نهضت مشروطیت جزئی از تاریخ مبارزه رهائیبخش ایران شده بود. وقتی او بر کرسی زمامداری خدمت صادقانه در اداره امور ایران نشست سرنویشت غم انگیز سه زمامدار نخبه و مصلح و معتبر پیشین یعنی **حاج ابراهیم خان کلانتری صدر اعظم فتحعلیشاه - میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی، صدر اعظم محمد شاه - میرزا تقی خان امیر کبیر صدر اعظم ناصرالدینشاه** را می دانست و گرچه بارها گفته بود برای کشته شدن در راه ایران آماده است که شربت شهادت بنوشد، اما هدف او زنده ماندن و نجات دادن ایران بود. **ابراهیم خان کلانتر** چنان با فساد و رشوه خواری جنگید و در اصلاح امور اداری و مملکتی کوشید که فتحعلیشاه تحت تأثیر خودخواهی و حيله و دخالت های پشت پرده بیگانگان پیرو توطئه ای که مشاورانش به راه انداختند او و تمامی اعضای خانواده و کسانش را که مورد اعتماد **کلانتر** و در رأس امور مهم بودند دستور داد دستگیر و به قتل رسانیدند. فتحعلیشاه ظالم و فاسد و نوکر بیگانه ابتدا دستور داد صدر اعظم را کور کنند، زبانش را ببرند، سپس زنده در دیگ آب جوش اندازند. چنین کردند و همه اموال او و خانواده اش را نیز ضبط نمودند.

قائم مقام فراهانی نیز به همان وضع به خاطر سروسامان دادن به امور مملکتی و علی الخصوص مبارزه با فساد اداری و درباری مورد غضب واقع شد. به دستور محمدشاه او را به باغ نگارستان (میدان بهارستان کنونی) احضار و شش روز زندانی کردند، سپس او را به عمارت حوضخانه بردند و چند میر غضب به جانش افتادند و دستمالی در حلقومش چپانیدند و خفه اش ساختند.

میرزا تقی خان امیرکبیر که از دو همتای پیشین خود مصلح تر و نسبت به دخالت های بیجای روس و انگلیس و دیگر بیگانگان حساسیت داشت با تأسیس دارالفنون، ضرابخانه، اولین خط آهن، کارخانه بلورسازی، کارخانه شکر ریزی، چراغ گاز . . . ارتش پیشرفته و تسلیحات مدرن موجب آماده سازی پایه های صنعت در ایران شد و با فساد و رشوه خواری نیز مبارزه می کرد تا راه سرفرازی به سوی آینده را هموار سازد. به همین دلیل او را هم در اثر دسیسه های بیگانه و خودخواهی شاه و درباریان در حمام فین کاشان رگ زدند. او با خون خود بر دیوار حمام نوشت «لا اله الا الله» و جان سپرد.

حال مرد زیرک و پاکدل و سیاستمدار ویژه ای چون مصدق را باید در نظر مجسم کرد که در روزگاری به نخست وزیری می رسد که مردم در فقر و فاقه و بیماری به سر می برند. نفت ایران سال های سال است که به وسیله عوامل انگلیس غارت می شود. از سوی دیگر مصدق خوب می داند که شاه شاه است و مثل شاه بنا به اقتضای طبیعت در اوج خودخواهی با حيله بیگانه به دنده چپ می افتد، غضبناک می شود، کور می کند، زبان می برد، دردیگ آب جوش می اندازد، خفه می کند و در حمام رگ می زند. او چه باید می کرد؟ شما چه می کردید؟ این حرف ها چه ربطی به امروز دارد؟

**در ادامه سعی می کنیم به این سوال ها پاسخ
گوییم. شما فرهیختگان، مصدق شناسان، ملیون،
مشروطه خواهان و سوسیالیست ها و کمونیست
های روشنفکر نیز کمک کنید. بگذارید در این راه
عاقلانه و صبورانه و صمیمانه پیش رویم. اگر
به جایی نرسیدیم ضرری نمی کنیم.**

تحصن ادامه دارد. شما هم به این تحصن بپیوندید.
ایران و ایرانی در گردابی بس خطیر و غیر منصفانه
گرفتار آمده !

Hassibi@chebayadkard.com